

نقش خانواده در استقرار عادات مطلوب فرهنگی

آذر دانه کار

تربیت فرهنگی فقط در صورتی مفید خواهد بود که به طرز خلاق، سازمان یافته باشد و با نقشه، شیوه، صحیح و بازرسی همراه شود. تربیت فرهنگی کودک باید خیلی زود آغاز گردد، آن زمان که کودک هنوز فاصله بسیار زیادی با سواد دارد و تازه یاد گرفته که خوب ببیند، خوب بشنود و چیزی بگوید.

"داستانی که خوب تعریف شده باشد خود آغاز تربیت فرهنگی است." (ماکارنکو، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، صفحه ۱۶۷).

خانواده نه تنها موظف است که حتی الامکان زودتر تربیت فرهنگی را شروع کند، بلکه برای این کار امکانات فراوانی در اختیار دارد که باید هرچه بهتر از آنها استفاده کند. البته در خانواده‌هایی که خود پدر و مادر روزنامه و کتاب مطالعه نمی‌کنند، به سینما و تئاتر نمی‌روند و علاقه‌ای به نمایشگاه و موزه ندارند، تربیت فرهنگی کودک بسیار دشوار است. در این صورت والدین هرچه تلاش کنند در مساعی شان رفتارهای غیر صمیمی و مصنوعی فراوان دیده می‌شود و کودک یکباره متوجه می‌شود که این کارها آنقدرها اهمیت ندارد. برعکس در خانواده‌ای که در آن پدر و مادر زندگی فرهنگی فعالی دارند کتاب و روزنامه از متعلقات حتمی زندگی محسوب می‌شود و مسائل سینما و تئاتر همه را تحت تاءثیر قرار می‌دهد.

تربیت فرهنگی فقط در صورتی مفید خواهد بود که به طرز خلاق، سازمان یافته باشد و با نقشه، شیوه، صحیح و بازرسی همراه شود. تربیت فرهنگی کودک باید خیلی زود آغاز گردد، آن زمان که کودک هنوز فاصله بسیار زیادی با سواد دارد و تازه یاد گرفته که خوب ببیند، خوب بشنود و چیزی بگوید.

"داستانی که خوب تعریف شده باشد خود آغاز تربیت فرهنگی است." (ماکارنکو، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، صفحه ۱۶۷).

خانواده نه تنها موظف است که حتی الامکان زودتر تربیت فرهنگی را شروع کند، بلکه برای این کار امکانات فراوانی در اختیار دارد که باید هرچه بهتر از آنها استفاده کند. البته در خانواده‌هایی که خود پدر و مادر روزنامه و کتاب مطالعه نمی‌کنند، به سینما و تئاتر نمی‌روند و علاقه‌ای به نمایشگاه و موزه ندارند، تربیت فرهنگی کودک بسیار دشوار است. در این صورت والدین هرچه تلاش کنند در مساعی شان رفتارهای غیر صمیمی و مصنوعی فراوان دیده می‌شود و کودک یکباره متوجه می‌شود که این کارها آنقدرها اهمیت ندارد. برعکس در خانواده‌ای که در آن پدر و مادر زندگی فرهنگی فعالی دارند کتاب و روزنامه از متعلقات حتمی زندگی محسوب می‌شود و مسائل سینما و تئاتر همه را تحت تاءثیر قرار می‌دهد.

اوقات زیادی را صرف خواندن روزنامه کرد. روزنامه باید به منزله زینتی برای خواندنیهای دیگر به کار رود. (اسعدی، کتاب هنرکتاب خواندن، صفحه ۳۲).

مدارس به ندرت برای عضو شدن کودک در مجلات مخصوص آنها پیشقدم می‌گردند و حتی کمتر اقدام به تهیه روزنامه دیواری می‌نمایند. معلمان کودکان را به خواندن چیزهایی جز کتب درسی وادار و تشویق نمی‌کنند (نشریه پوشش، ۱۳۶۹، ص ۱۲).



کتاب

کودک ۲ تا ۳ ساله که خواندن نمی‌داند از تصاویر و پی بردن به اشیاء و نامها لذت می‌برد. کودکان از اینکه کسی برایشان از روی کتاب قصه تعریف کند لذت می‌برند و در سن ۴ - ۵ سالگی کوش کردن به قصه ای که با کتاب ارائه شود برایشان مهم است. پس از رفتن به

اینک هریک از اشکال عادات فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

روزنامه

هنگامی که کودک هنوز بی سواد است و فقط می‌تواند آنچه را که خوانده می‌شود گوش کند، روزنامه باید مقام ثابتی را در خاطرانش اشغال کند. خانواده باید یکی از روزنامه هارا مشترک شود و مطالعه روزنامه نباید دور از کودک صورت گیرد. پدر و مادر نباید هرکدام روزنامه را برای خودشان مطالعه کنند. در هر روزنامه موضوعی پیدا می‌شود که می‌توان آن را با صدای بلند خواند و در باره اش صحبت کرد. بارسد کودک خاصه از موقعی که شخصا خواندن را یاد گرفت، روزنامه باید بیش از پیش اهمیت کسب کند. مسلمانا اگر بتوان برای کودک یک روزنامه مشترک شد خوب است. باید خودش روزنامه بخواند تا روزنامه یکی از عناصر لازم زندگی اش به شمار آید. بحث ویا لاقلا صحبت درباره مطالبی که خوانده می‌شود واجب است. بچه ها باید یاد بگیرند پس از خواندن سرمقاله روزنامه سوال کنند.

"... خواننده از طریق سوال کردن، استنباط کردن، ربط دادن و ارزشیابی کردن به درک مطالب و قضاوت درباره ارزش مطالب می پردازد و فن خواندن انتقادی را می آموزد." (سیف، کتاب روش مطالعه، صفحه ۱۳۳).

البته در این راستا عده ای نیز نظر مخالف ابراز می‌دارند:

"روزنامه خوان یعنی کسی که میل خواندن را فقط با روزنامه سیراب می‌کند. روزنامه وسیله نشر مناقض ترین آرا به شمار می‌رود. نباید



در آسیا و حوزه اقیانوس کبیر از طرف مرکز فرهنگی آسیا برای یونسکو واتحادیه ناشران کتاب ژاپن که از ۳۱ - ۱۳ اکتبر ۱۹۸۸ ادامه یافت هدفش ترویج عادت خواندن بود و نهضت کتابخوانی مادر با کودک را توسعه داد. این دوره آموزشی سه دلیل عمده را برای این کار ذکر کرد:

۱ - برقراری رابطه بین والدین و کودک

۲ - نشان دادن لذت مطالعه به کودک

۳ - پرورش قدرت تشخیص و داوری در کودک

این دوره گسترش مطالعه را به عنوان یک فعالیت خانوادگی اعلام می دارد، زیرا معلم نمی داند چه نوع کتابهایی مورد علاقه کودکان است بنابراین به درستی نمی تواند کودکان را به خواندن تشویق کند. نظام آموزش و پرورش بر توفیق در امتحانات تاء کیدمی کند، از این رو در برنامه های مدارس وقت کافی برای ایجاد عادت به خواندن منظور نمی شود. برنامه های درسی سنگین مدارس کودکان را مجبور می کند سخت تر درس بخوانند و به این علت است که

مدرسه یاد می گیرند خودشان به تنهایی کتاب بخوانند. در کلاس سوم و چهارم با مطالعه آشنا می شوند و تفکرشان قوی تر می گردد. در این سن آنها حتی می توانند برای والدین خود کتاب بخوانند. یک شاگرد کلاس پنجم یا اول راهنمایی نه تنها می تواند ماجرای قصه راتا آخر دنبال کند، بلکه می تواند بین شیوه زندگی قهرمان داستان و شیوه تفکر خودش مقایسه ای به عمل آورد.

"بهترین شیوه در امر کتاب خوانی این

است که کاری کنیم کودکان به انحاء مختلف از مطالعه کتاب لذت ببرند. مثلاً "والدین و کودک به نوبت کتاب بخوانند سپس با هم روی تاء تیری که از کتاب گرفته اند بحث کنند. کتاب خوانی والدین با کودک برای اصل تکیه دارد. نقطه شروع مطالعه کودک است و ضمناً "شالوده عادت به مطالعه کتاب با این کاری ریزی می شود." (ماکارنکو، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، صفحه ۱۶۸).

بیست و یکمین دوره آموزشی تولید کتاب

برابرش مطرح نمی کنند. نفع این نوع تماشای فیلم فوق العاده ناچیزاست و گاهی زیانهای فراوان به بار می آورد، و چون مدرسه در این زمینه کنترلی ندارد والدین باید درخصوص سینما توجه زیادی مبذول دارند.

"به کودک اجازه داده نشود بیش از دو بار در ماه به سینما برود و تا سنین پانزده سالگی بهتر است به همراه پدر و مادر یا برادر و خواهر بزرگش به سینما برود. هر فیلم سینمایی باید حتی برای چند دقیقه هم که شده در خانواده مورد بحث و اظهار نظر قرار گیرد. پدر و مادر باید تلاش کنند کودک هم نظرش را در باره فیلم ابراز دارد. باید به کمک یکی دو سؤال کودک را بسه جنبه های عمیق تر و مهم تر فیلم هدایت کرد. گاهی حتی نباید هیچ نوع سؤالی برای کودک مطرح کرد بلکه فقط باید درحضورش عقیده خود را ابراز داشت. تا حدودی پدر و مادر باید انتخاب کنند کدام فیلم برای کودک مطبوع تر است." (ماکارنکو، کتاب گفتارهایی در باره تربیت فرزندان، صفحه ۱۶۹).

البته عکس این قضیه نیز گاهی بیان شده است. ژوزف فرانک یکی از متخصصین بررسی نطفه نیرادیو در کودکان و نوجوانان معتقد است سینما، رادیو، تلویزیون و تمام وسایلی که وسیله انتشار مفاهیم از راه تصویر یا صوت هستند، نه تنها اثر شوم در کودکان و نوجوانان باقی نمی گذارند بلکه موقعیتی فراهم می کنند تا قدری از ستیزه گری آنها بکاهند. (منصور، کتاب زمینه بزهکاری نوجوانان، صفحه ۵).

"مساء له تعیین حداقل سن یا ایجاد محدودیت سنی می تواند در شمار تدابیر اساسی برای تماشای فیلم سینما باشد. در سوئیس از سال ۱۹۵۰ تماشای فیلم های سینمایی برای افراد

اهمیت کتاب خوانی والدین با کودک روشنتر می گردد.

در حال حاضر در ژاپن در حدود ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ گروه کتابخوانی والدین با کودک و ۱۴۰۰ کتابخانه کودک وجود دارد که در هر منطقه شعباتی دارند. در ضمن گوش دادن و خواندن کتابهای کودکان در تالارهای عمومی و برپایی جشنواره ها یا نمایشگاهها نیز صورت می گیرد. (مجله پویس، ۱۳۶۹، ص ۷۲)

گزارش پیش نشست سمینار کتابخانه های کشورهای در حال توسعه نیز بر این مساء له تائید دارد که جایی که آموزش خود هنوز مساء له عمده است کتابخانه چه نقشی می تواند داشته باشد و چه تدابیری می توان اتخاذ کرد تا یار صادق یا درمان درد و مکمل آموزش باشد. (نشریه علوم تربیتی، ۱۳۶۴).

سینما

در عصر ماسینما نه تنها در خصوص کودکان بلکه در خصوص بزرگسالان هم قوی ترین عامل تربیتی به شمار می رود. اگر فیلمها هم وسیله تربیتی جالبی باشند باز این بدان معنا نیست که می توان سینما را بطور نامحدود و بدون کنترل برای کودکان در نظر گرفت. گاهی دیده می شود مضمون عمده زندگی کودک سینماست و آن وقت به خاطر سینما، کار، مدرسه، و وظایف رافراموش می کند. کودک اغلب به یک سرگرمی منفی جلب می شود که جز یک تاءثر ساده و بدون اختیار بصری نتیجه دیگری ندارد. او فقط "هاج و واج" نگاه می کند و بس. نقش های هنری سطحی از مقابلش می گذرند، شخصیتی به وجود نمی آورد، فکری بر نمی انگیزند و هیچ پرسشگری

کند. (مجله پویا، ۱۳۶۹، ص ۲۴)

"عملا" در تمدن جدید نصف تماشاگران یا شنوندگان تلویزیون رادیو را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند. در یک گزارش آماری آمده است که از ۷۷ میلیون تماشاگر آمریکایی ۲۸ میلیون آن را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند. درست است که کانالهایی در امریکابه پخش برنامه ها و فیلم های مخصوص برای کودکان می پردازد، ولی کودکان در شرایط معمولی زندگی از وضع یکنواخت و جداگانه خسته می شوند و می خواهند از برنامه بزرگسالان استفاده کنند و عملا "چنین برنامه هایی در آنان ناهمگونی فراوان برجای می گذارد. کنترل کودکان در این مورد بیشتر مربوط به تربیت و پرورش اولیای طفل و شرایط زندگی داخلی آنان است و مدرسه نقشی جز به عنوان یک ناصح نمی تواند داشته باشد." (منصور، کتاب زمینه، پژوهکاری



کمتر از ۷ سال ممنوع است. در انگلستان جای وسیعی به باشگاههای سینمایی داده شده است. خانوادهها بچه های خود را برای دیدن فیلم های اختصاصی به این باشگاهها می برند که البته انتقادی بر این کلوبها وارد است و آن این که ممکن است ایجاد چنین کلوبهایی نیاز را در کودکان به وجود آورد و به آنان این عادت داده شود که به طور مرتب نیازمند دیدن فیلم باشند. " (منصور، زمینه، پژوهکاری نوجوانان صفحه ۴۲)

ناه تر

"آبچه به سینما مربوط می شود به ناه تر هم مربوط می شود ولی نمایشنامه توجه جدی تر و طولانی تری را از کودک می طلبد، از این لحاظ به مراتب پیچیده تر از سینماست. رفتن به ناه تر چون وقت بیشتری از کودک می گیرد تا حدودی واقعه ای در زندگی کودک به شمار می رود. پدر و مادر باید از این موقعیت استفاده کنند. نمایشنامه بیشتر از فیلم باید با بحث و تبادل نظر در خانواده همراه باشد." (ماکارنکو کتاب گفتارهایی درباره تربیت فرزندان ص ۱۸۰)

تلویزیون رادیو

رادیو قدیمی ترین و ساده ترین وسیله ارتباط جمعی است. ناه تر رادیو به این امر بستگی دارد که کودکان برای گوش دادن به برنامه هایی که پخش می شود تا چه حد اشتیاق نشان دهند. بهترین آثار رادیویی کودکان را می توان از طریق رادیو پخش کرد. رادیو در سطحی وسیع به افزایش گروههای کتابخوان کمک می

اندک است، آنها ذهن کودک را به فعالیت وامی دارند و احساس های عمیق و فراوانی را بر می انگیزند. فقط باید سعی کرد تماشاى موزه به همان "هاج و واج" نگاه کردن تبدیل نشود. بنابراین هرگز نباید موزه های بزرگ را یک بار تماشا کرد.

اکنون برای نکته آگاهیم که امروزه موزه - داری دانش و کاری بسیار دقیق و ظریف است، نه حرفه ای ذوقی و تفننی. موزه ها حامل پیام و ناقل اندیشه و جهان بینی اند و دروازه های گذشته انسانها را به روی نسل امروز و آینده می گشایند. (روزنامه اطلاعات، ۲۸، ۱۳۷۱، اردیبهشت ماه، ص ۶)

اگر پدران و مادران روزنامه، کتاب، سینما، تئاتر و موزه را کاملا مورد استفاده قرار دهند آنگاه چه در زمینه دانش و چه در امر تربیت فرهنگی برای کودکان خود بسیار مفید واقع خواهند شد. پدر و مادر باید دقیقا "مراقب باشند در کار تربیت فرهنگی فقط علاقه، تفریح و وقت کشی را ترجیح ندهند. مسلما "هراقدام فرهنگی باید شادی آور هم باشد. مهارت عمده والدین باید این باشد که این شادی را با نفع بزرگ تربیتی پیوند دهند. در این کار پدر و مادر باید کمی ابتکار از خود به خرج دهند و ایسن ابتکارات به لحاظ خصوصیتی که دارند به هیچ وجه دشوار نیستند. در خانواده می توان کارهای فرهنگی را غالب و با اهمیت انجام داد، به طوری که در امر تربیت مفهوم زیادی داشته باشند.

(نوجوانان، صفحه ۴۲)

در این راستا باید به نقش سینمای خانگی یا ویدئو نیز که از طریق تلویزیون نمایش فیلم را برای کودکان میسر می سازد توجه کرد. "خانم" فلدگریل" وزیر جوانان اطریش هشدار داد که اکثریت کودکان، نوجوانان و جوانان این کشور به فیلمهای ویدئویی مستهجن، وحشتناک و یا خشونت آمیز دسترسی دارند. خانم "فلدگریل" از مسوؤلین ذی ربط خواست با کنترل دقیق فروشگاههای فیلمهای ویدئویی، از انتقال فیلمهای ممنوعه به نوجوانان و جوانان اطریش جلوگیری به عمل آورند. وی خاطر نشان ساخت تماشاى این فیلمها به گروههای سنی مذکور صدمات روحی و روانی غیر قابل جبران وارد می کند. (روزنامه کیهان، ۱۲، ۱۳۷۱، اردیبهشت)

موزه و نمایشگاه

گسترش موزه های دنیا و همکاری همه جانبه علمی، فرهنگی و صنعتی موزه ها در جهت دستیابی به اهداف فرهنگی مؤثر است. در دوازدهمین مجمع کمیته بین المللی موزه ها در مسکو در ۲۸ می سال ۱۹۷۷، روز ۱۸ می مطابق با ۲۸ اردیبهشت ماه به عنوان روز جهانی موزه ها اعلام شد. نظر به این که موزه ها در اعتلاء و بهبود دانش محصلان مؤثر هستند و از انهدام فرهنگ یومی در برابر فرهنگهای سرگردان و ناماء نوس جلوگیری می کنند، می - توانند وسیله تربیتی مهمی به شمار آیند. (اطلاعات، ۲۸، ۱۳۷۱، اردیبهشت ص ۶)

موزه ها و نمایشگاهها توجه جدی از کودک می طلبند. در آنها لحظات تفریح بسیار